



۱۰

گفت‌وگو با یوسف قوجق نویسنده اهل ترکمن

خودم گلستان ، دلم خوزستان



جوخه خودکشی
گوش به فرمان جیمز باند

۱۲

فیلم تازه برزو نیک‌نژاد در تهران کلید خورد

«دوزیست» با هادی حجازی‌فر



۱۱

فرهنگ
۹
شماره ۵۳۵۸
یکشنبه :: ۲۵ فروردین ۱۳۹۸ ::

فرهنگ

پرتره

۶۰ سالگی يك کارگردان

تقویم می‌گوید

زینب مرتضایی‌فرد

امروز تولد

فرهنگ و هنر

مجید مجیدی

است، کارگردان

بر جسته

سینمای ایران که بخشی از به یادماندنی‌ترین آرشيو سینمایی کشور را ساخته و مخالفان و موافقانش در عالم نقد هم همگی بر این موضوع تاکید دارند که او به‌خوبی تصویر را می‌شناسد. آن قدر که حتی دیدن عکس‌های فیلم‌هایی که ساخته به‌خوبی می‌تواند بیننده را به سمت خود جلب کند و بنشانند پای کشف رنگ‌ها و اتفاقات پنهان در گوشه و کنار تصویر.

اگر از هر کدام ما بپرسند با کدام ساخته مجیدی بیشتر ارتباط برقرار کرده‌اید، ممکن است به فیلمی اشاره کنیم. من هم این سوال را از خودم پرسیدم، اما راستش نتوانستم جواب چندان قطعی به سوالم بدهم. اولش با خودم گفتم «بچه‌های آسمان». بعد یک‌هوا جمله‌ای در ذهنم تکرار شد.. «خدا چه رنگیه؟» يك لحظه با خودم گفتم «رنگ خدا» و اما بعد دیدم دلم هنوز پیش جای پای دختر فیلم «باران» جا مانده است، همان رد پاهایی که صاحبشان می‌رفت و خودشان باز می‌گشتند. اصلا «بید مجنون» هم یاد نمی‌رود. همان یوسفی که بعد سال‌ها چشم‌هایش باز شده بود و حالا خودش شده بود اسیر جمال، اسیر رنگ‌ها و نگاه کردن به دنیایی که چشم‌هایش سال‌ها بود فراموششان کرده بود و حالا نمی‌دانست با آن همه تصویر چه کند. اصلا می‌شود یاد مجیدی بی‌تتم درد «بدوك» جسم و جانم را پر نکند.

هر چند در تمام سال‌های فعالیتش مخالفان و موافقان بسیاری داشته، اما نمی‌شود از این گذشت که او معنا را خوب می‌فهمد، ادبیات و فرهنگ ایرانی را درک می‌کند و بلد است آن را به ساخته‌هایش تزریق کند. حالا ممکن است گاهی این معانی جایی یا گوشه‌ای از کارش را چندان هم خوب پیش نبرد و آن معنی یا تصویر خاص به قول معروف از فیلم بزند بیرون، اما این همه در برابر تصاویر خوب و معانی‌ای که در بخش‌های دیگر آتش زیست می‌کند و می‌تواند مخاطبش را به لذت و فکر توانان باز دارد، به نسبت بسیار کم‌رنگ‌تر است و این همه از مجیدی کارگردانی می‌سازد که می‌توان مجموع آثارش را دوست داشت. تماشايش کرد و لذت برد. در کنار همه اینها ورودش به ۶۰ سالگی را باید تبریک گفت و البته منتظر ماندو دید که او آیا می‌تواند حالا در سن یختگی فیلمسازی‌اش اثر بهتری هم بسازد یا نه؟



گزارشی از سی و ششمین دوره مسابقات بین المللی قرآن که این روزها در حال برگزاری است

رنگین کمان مسلمانی در مصلی

محمد صادق علیزاده

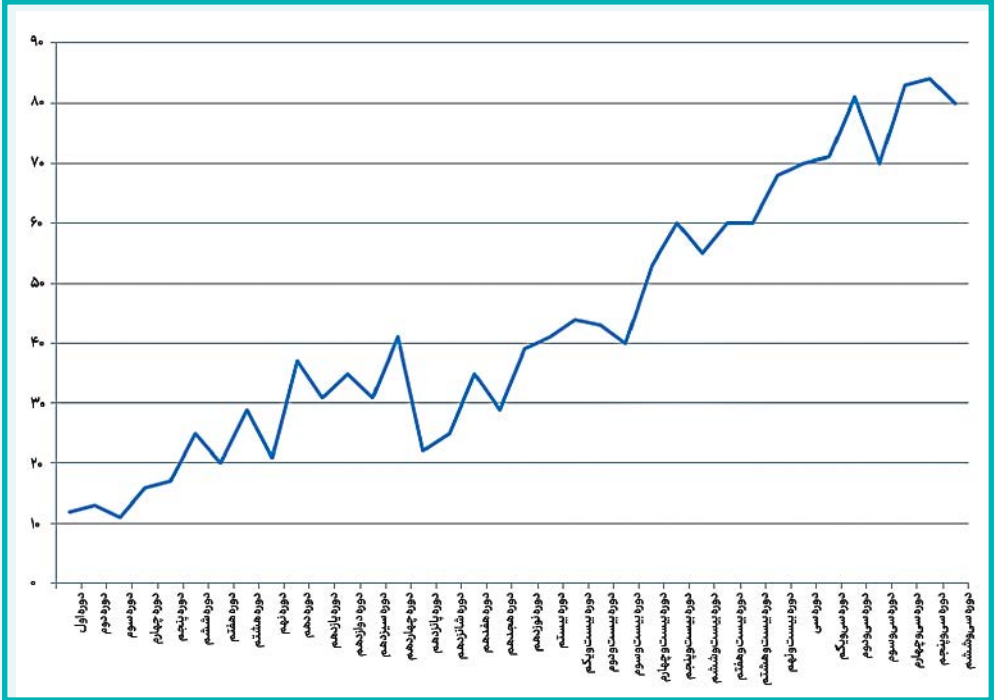
فرهنگ و هنر

جالب است نه؟! این‌که در میان هجوم بی‌امان انواع و اقسام خبرها، شاید خیلی‌ها باشند که هنوز خبر برگزاری مسابقات بین المللی قرآن به گوش‌شان نخورده باشد اما بخش بانوان این مسابقات که در هتل هما در حال برگزاری است بعضاً مهمانانی دارد که از پاکدشت و قشم و حومه تهران خودشان را به محل برگزاری مسابقات رسانده‌اند تا شنونده تلاوت خانم‌های شرکت‌کننده در این مسابقات باشند. سی و ششمین دوره این مسابقات در ایران آغاز شده و نمایندگان و حافظان و قاریان بسیاری از کشورهای مختلف راهی تهران شده‌اند تا در این رویداد شرکت کنند. افتتاحیه این مسابقات هم چهارشنبه هفته گذشته در مصلای امام خمینی (ره) تهران برگزار شد. برویم ببینیم در این مسابقات چه خبر است.

مصلای امام خمینی (ره) و خانم‌ها هم در هتل هما مشغول رقابت هستند.

از کی شروع شد؟

ایرانی‌ها آماده می‌شدند جشن سومین سالروز پیروزی انقلاب را بگیرند که نطفه یکی از رویدادهای بزرگ قرآنی جهان اسلام کلید خورد. سازمان اوقاف و امور خیریه، پروژه يك مسابقه بین‌المللی قرآن کریم را کلید زده بود که قرار بود نبض آن در ایران و در تهران بتپد. همین هم شد که اولین دوره این مسابقات سال ۱۳۶۰ در تهران برگزار شد. مکان برگزاری اش کجا



رشد کشورهای شرکت کننده در این مسابقات از دوره اول تا الان

کشوره‌های شرکت‌کننده عبارت بودند از بنگلادش، جمهوری عربی صحرا، الجزایر سوریه، مالزی، هندوستان، لیبی، پاکستان، افغانستان، ایران، کینه و عراق. ۱۳۶۷ برگزار نشده‌اند. علت؟! احتمال زیاد مشخص است دیگر! برگزار نشدن در سال‌های ۶۱ و ۶۴ به دلیل روزهای جنگ و شعله گرفتن درگیری‌ها و بعضاً هم نا‌امن اعلام شدن آسمان ایران! برگزار نشدن در سال ۶۷ هم به دلیل ناهماهنگی‌ها بوده است. با این حال در سال ۶۸ هم این مسابقات يك مرتبه در فروردین و يك مرتبه هم در اسفند برگزار شد تا در نهایت تا امروز دو دوره عقب مانده باشد.

کجا برگزار شده؟

این روزها برای برگزاری همایش و برنامه، چیزی که در تهران و دیگر شهرها به وفور وجود دارد، سالن و مراکز فرهنگی است، ولی خب سه دهه قبل به این راحتی نبوده. مسابقات تا دوره چهاردهم در سال ۱۳۷۶ در همین حسینیه ارشاد تهران برگزار می‌شده. ۱۵ دوره از سالن کنفرانس سران کشورهای اسلامی میزبان این مسابقات بوده است. دوره‌های شانزدهم (۱۳۷۸) و بیست و پنجم (۱۳۸۷) هم به ترتیب در سالن همایش‌های صدا و سیما در تهران و مشهد برگزار شده است. شاید جالب باشد که بدانید سالن همایش‌های برج میلاد هم سابقه يك دوره میزبانی از این مسابقات را در دوره بیست و نهم در سال ۱۳۹۱ در کارنامه خود دارد. در نهایت هم این مسابقات از دوره ۳۳ تا دوره فعلی (۳۶) چهار دوره است که در مصلای امام خمینی (ره) تهران برگزار می‌شود. با این اوصاف باید سالن کنفرانس سران کشورهای اسلامی را دارای بیشترین سابقه در میزبانی این مسابقات دانست.

بالاخره متری چند؟

همه سوژه دارند و پیگیر گزارش‌هایشان هستند، اما آخرش با هماهنگی جناب دبیر تصمیم گرفته می‌شود چه سوژه‌هایی برسد به امروز و چه سوژه‌هایی در صف انتظار بماند و در روزهای آینده منتشر شود. خب... رسیدن به همین جا هم مرحله مهمی است. این‌که سوژه‌ها غربال شوند و تکلیفشان روشن شود. بعضی‌ها شان حذف شوند و بعضی‌ها شان هم با همفکری همه گروه چکش بخورند و بشوند يك سوژه جذاب و خواندنی. روز گذشته هم مثل هر روز تمام این مراحل را گذراندیم و رسیدیم به همین جایی که الان شما چهار صفحه فرهنگی روزنامه به دستتان رسیده و مشغول خواندنش باشید. برویم ببینیم امروز برایتان چه داریم و بچه‌های فعال و پرانرژی گروه فرهنگی چه کرده‌اند.

در صفحه ۹ گزارشی داریم از سی و ششمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن که اکنون در تهران در حال برگزاری است و حافظان را از کشورهای اسلامی مختلف به ایران کشانده است و محمدصادق علیزاده دبیر گروه فرهنگ و هنر که برخلاف اغلب دبیرها خودش حسابی دست به قلم است و تقریباً هر روز علاوه بر ساماندهی صفحه‌ها و سوژه‌ها، مطلب هم می‌نویسد، امروز رفته سراغ همین مسابقات بین‌المللی برایمان از این نوشته که در این دوره از رقابت حافظان و قاریان قرآن چه خبر است و این رویداد چگونه پیش می‌رود. در همین صفحه ۹ گزارش جذاب علیزاده را بخوانید.

در صفحه ۱۰ هم آذر مهاجر همان خبرنگار معروف حوزه کاغذ رفته سراغ فرهنگ ترکمن و درباره این موضوع با یوسف قوجق حرف زده. نویسنده‌ای که خودش متعلق به این فرهنگ است و درک خوبی از آن دارد و البته بهتر از هر کسی می‌تواند در معرفی آن به جامعه در قالب داستان فعالیت کند. قوجق که البته طی سال‌های گذشته چنین فعالیت‌هایی داشته و تمام تلاش خود را برای معرفی فرهنگ ترکمن به کار بسته در این باره با مهاجر مفصل حرف زده است.

«متری شیش و نیم» را دیده‌اید؟ آخرین ساخته سعید روستایی، کارگردان جوانی که با فیلم «اید و يك روزه» توانسته بود موفقیت‌های بسیاری کسب کند. علی رستگار سینمایی مان امروز رفته سراغ این فیلم و به بهانه رسیدن مخاطبانش به يك میلیون نفر همه خوبی و بدی‌های این اثر سینمایی را بررسی کرده است. می‌توانید در صفحه ۱۱ تحلیل‌های رستگار را بخوانید و ببینید نظرات شما چقدر به او نزدیک است.

کیکاووس خان زبیری، عشق سینمای جهان هم امروز برایتان صفحه‌هایی تدارک دیده که البته در همان نگاه اول عکس بازیگران سیاه‌پوست در آن بیش از هر چیزی به چشم می‌آید و نشان می‌دهد او این بار زده به دل هالیوود و اتفاقات سینمایی‌اش. بخوانیدو ببینید چه خبر است.